

ORIGINAL ARTICLE

The Effectiveness of Group Training Based on the Nonviolent Communication Model on Aggression among Female Junior High School Students Involved in Parent-Child Conflicts

Yasna Farokhsiri¹ , Mohsen Saeidmanesh^{2*} 

1. PhD Student Psychology, Department Psychology, University of Science and Arts, Yazd, Iran
2. Associate Professor Clinical Psychology of Children and Adolescents, Faculty of Humanities, University of Science and Art, Yazd, Iran

Correspondence:

Mohsen saeidmanesh Email: m.saeidmanesh@yahoo.com

Receive Date: 30/Aug/2025
Revise Date: 05/Oct/2025
Accept Date: 11/Nov/2025
Publish Date: 22/Nov/2025

How to cite:

Farokhsiri, F, Saeidmanesh, M. (2025) The Effectiveness of Group Training Based on the Nonviolent Communication Model on Aggression among Female Junior High School Students Involved in Parent-Child Conflicts, *New Studies in Educational Sciences*, 1 (2), 89-100. <https://doi.org/10.30473/ns.2026.76915.1032>

ABSTRACT

The present study purposed to investigate the effectiveness of group training based on the nonviolent communication (NVC) model in reducing aggression among female junior high school students involved in parent-child conflicts. This research was a semi-experimental study with a pre-test-post-test design and a control group. The statistical population consisted of female junior high school students (aged 12 to 15) in Yazd city during the 2023-2024 academic year, who were identified as being involved in conflicts based on parental/counselor reports and scores on the Behavioral Problems Questionnaire-Parent Form (Achenbach, 1991). From the eligible population, 30 students were selected via convenience sampling and randomly assigned to experimental and control groups (15 each) using a random number table. The measurement tool was the Buss and Perry Aggression Questionnaire (1992). The data were analyzed using Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA), followed by univariate Analyses of Covariance (ANCOVA). The findings indicated that after controlling for pre-test scores, there was a significant difference between the two groups on the linear combination of aggression subscales. Subsequent univariate analyses revealed that the intervention significantly reduced all four subscales of aggression: physical aggression, verbal aggression, anger, and hostility ($p < 0.001$ for all). Based on effect sizes (η^2), the intervention had the greatest impact on reducing anger (0.65) and the least impact on reducing hostility (0.54). In conclusion, group training based on the NVC model is an effective intervention for reducing various dimensions of aggression among female students involved in Parent-child conflicts.


KEY WORDS

Non-Violent Communication Model, Aggression, Parent-Child Conflicts, Female Junior High School Students.



«مقاله پژوهشی»

اثر بخشی آموزش گروهی الگوی ارتباط بدون خشونت بر پر خاشگری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی

یسنا فرخ سیری^۱، محسن سعید منش^{۲*} 

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در کاهش پر خاشگری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی بود. این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر (۱۲ تا ۱۵ ساله) مقطع متوسطه اول شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که بر اساس گزارش والدین و مشاوران و احراز تعارض در پرسشنامه مشکلات رفتاری-فرم والدین (آخن باخ، ۱۹۹۱) به عنوان درگیر تعارض شناسایی شدند. از بین واجدان شرایط، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با استفاده از جدول اعداد تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند. ابزار سنجش، پرسشنامه پر خاشگری باس و پری (۱۹۹۲) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیره و به دنبال آن تحلیل‌های کوواریانس تک‌متغیره مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه از نظر ترکیب خطی خرده‌مقیاس‌های پر خاشگری تفاوت معناداری وجود دارد ($p \leq 0.01$). تحلیل‌های تک‌متغیره نشان دادند که مداخله به صورت معناداری منجر به کاهش هر چهار خرده‌مقیاس پر خاشگری فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت شده است ($p \leq 0.01$). بر اساس اندازه اثر، مداخله بیشترین تأثیر را بر کاهش خشم (۰/۶۵) و کمترین تأثیر را بر کاهش خصومت (۰/۵۴) داشته است. نتیجه‌گیری کلی حاکی از آن است که آموزش گروهی الگوی ارتباط بدون خشونت، مداخله‌ای مؤثر برای کاهش ابعاد مختلف پر خاشگری در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی است.

واژه‌های کلیدی

الگوی ارتباط بدون خشونت، پر خاشگری، تعارضات والد-فرزندی، دانش آموزان دختر متوسطه اول.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران.
۲. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران.

نویسنده مسئول:

محسن سعید منش

ایمانامه: m.saeidmanesh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

استناد به این مقاله:

فرخ سیری، یسنا، سعید منش، محسن. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش گروهی الگوی ارتباط بدون خشونت بر پر خاشگری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی، فصلنامه علمی مطالعات نوین در علوم تربیتی، ۱ (۲)، ۸۹-۱۰۰.



مقدمه

و منجزی، ۱۳۹۲). پژوهش‌ها پرخاشگری را به عوامل داخل خانواده و روابط والدین با یکدیگر مرتبط می‌دانند (آلمیداً و همکاران، ۲۰۲۱؛ اشمیت و ژو^۷، ۲۰۲۳). کیفیت رابطه تأثیر زیادی بر تکامل طبیعی کودک و نوجوان دارد. همچنین برخی عوامل همچون کشمکش‌های خانوادگی، شکست زوجین در ازدواج، نداشتن رابطه گرم با والدین، دلبستگی نایمن، مقررات سخت و نظارت ناکافی خطر شکل‌گیری مشکلات رفتاری در کودکان را افزایش می‌دهد و دانش‌آموزان دختر که در خانواده مورد بی‌مهری والدین قرار می‌گیرند، از برقراری ارتباط صمیمانه و مؤثر با دیگر همسالان ناتوانند (ویژمن^۸ و همکاران، ۲۰۰۴). در پژوهش دیگری توسط هورن^۹، ۲۰۰۶، دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۴ ساله بررسی شدند و به این نتیجه رسیدند که داشتن مهارت‌های ارتباطی، ابزار وجود و عزت نفس بالا از عوامل مهم در دوستیابی و ارتباط مؤثر با دیگران است و یافته‌های پژوهش رابطه عزت نفس پایین و پرخاشگری در سطح بالا را تأیید کرده است. پژوهشی که توسط جونز و فاستر^{۱۰} (۲۰۱۸) انجام شد، نشان داد که مداخلات گروهی مبتنی بر بهبود مهارت‌های ارتباطی می‌تواند به‌طور معناداری سطح پرخاشگری دانش‌آموزان را کاهش دهد. این مطالعه تأکید کرد که آموزش مهارت‌های ارتباطی مانند شنیدن فعال، بیان احساسات و شناسایی نیازها می‌تواند به دانش‌آموزان در مدیریت بهتر تعارضات کمک کند. از طرفی در پژوهشی دیگر که توسط کیم و پارک^{۱۱} (۲۰۲۰) انجام شد، مشخص گردید که آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین و دانش‌آموزان، تعارضات خانوادگی را تا چهل درصد کاهش می‌دهد و بهبود معناداری در روابط خانوادگی و سلامت روان دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. بنابراین با توجه به موارد ذکر شده باید یک برنامه آموزشی جامع و مؤثر در زمینه ارتباط دانش‌آموزان که هم به‌نوعی فرزندپروری را آموزش داده و علاوه بر آن موجب بهبود پرخاشگری دانش‌آموزان دختر درگیر تعارضات والد-فرزندی شود، مطرح گردد. از این رو، بررسی تأثیر مداخلاتی مانند آموزش ارتباط بدون خشونت بر هر یک از این ابعاد، می‌تواند تصویر جامع‌تری از کارآمدی آن ارائه دهد.

الگوی ارتباط بدون خشونت، به بهبود مهارت‌های ارتباطی از طریق مشاهده بدون قضاوت، بیان احساسات و شناسایی نیازها کمک می‌کند. ارتباط بدون خشونت^{۱۲} (ان وی سی) روشی تعاملی است که تبادل اطلاعات و حل صلح‌آمیز اختلافات را تسهیل می‌کند و بر چهار اصل کلی استوار است: مشاهده بدون ارزیابی، شناسایی احساس خود یا دیگران، بررسی نیاز پشت احساس و در آخر درخواست و تقاضای متناسب با برطرف شدن نیاز شناسایی شده. در واقع ان وی سی باور

دوران دانش‌آموزی، به‌ویژه مقطع متوسطه اول، مهم‌ترین دوران زندگی هر فرد است زیرا با بلوغ فکری، جسمی و تغییرات مهمی همراه می‌باشد. لذا ممکن است بسیاری از تغییرات روانی در این دوران به‌همراه برخی اختلالات رفتاری رخ دهد. از آن جمله می‌توان به تعارضات والد-فرزندی^۱ میان دانش‌آموزان اشاره کرد. تعارضات والد-فرزندی به هرگونه اختلاف، درگیری یا عدم تفاهم میان والدین و فرزندان اطلاق می‌شود. این تعارضات یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد عاطفی، اجتماعی و رفتاری دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان دختر به‌دلیل دوران حساس بلوغ و هویت‌یابی، به‌شدت تحت‌تأثیر فضای خانوادگی قرار می‌گیرند. تعارضات مداوم خانوادگی می‌تواند به افزایش پرخاشگری، افت تحصیلی، انزوای اجتماعی، اضطراب و حتی افسردگی در دانش‌آموزان دختر منجر شود (کامینگ و دیویس^۲، ۲۰۱۰). دانش‌آموزانی که در محیط‌های خانوادگی پر تنش زندگی می‌کنند، احتمال بیشتری برای بروز رفتارهای پرخاشگرانه دارند. این رفتار می‌تواند در قالب خشونت کلامی یا جسمی با همسالان یا والدین بروز یابد (ژو^۳، ۲۰۲۴).

پر خاشگری^۴ به‌عنوان یک سازه چندبعدی، در چارچوب نظری باس و پری^۵ (۱۹۹۳) به چهار مؤلفه متمایز تقسیم‌بندی شده‌است که هر یک جنبه‌ای خاص از این رفتار را منعکس می‌کنند. پر خاشگری فیزیکی شامل اعمالی است که هدفشان وارد آوردن آسیب بدنی به دیگران است. پر خاشگری کلامی نمودار بیان خصمانه از طریق فریاد، توهین، تهدید یا تحقیر است. خشم به‌عنوان یک حالت هیجانی برانگیخته‌شده، شامل احساس‌های ذهنی کینه و تنش فیزیولوژیک می‌شود که آمادگی برای رفتار پر خاشگرانه را فراهم می‌آورد. در نهایت، خصومت بعد شناختی پر خاشگری است و با احساس‌های عمیق‌تر کینه، بی‌اعتمادی و نگرش منفی پایدار نسبت به دیگران همراه است. در بستر تعارضات خانوادگی، نوجوانان ممکن است این ابعاد را به‌شکل‌های مختلف بروز دهند؛ برای

مثال، خشم و خصومت ممکن است به‌عنوان پاسخ به استرس مزمن خانوادگی شکل بگیرد و سپس به‌صورت پر خاشگری کلامی یا فیزیکی در تعامل با والدین یا همسالان تجلی یابد. از آنجایی که پر خاشگری و رفتار پر خاشگرانه آثار نامطلوبی بر حالات درونی افراد و به‌دنبال آن بر روابط بین فردی می‌گذارد و از طرفی توانایی در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، باعث رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت نیز می‌شود (اشرفی

7 . Schmidt & Zhou

8 . Whisman

9 . Horn

10 . Jones & Foster

11 . Park & Kim

12 . Non-Violent Communication (NVC)

1 Parent-child Conflicts.

2 . Cummings & Davies

3. Zhou

4 . Aggression

5 . Bass and Perry

6 . Almeida

خشونت که بر شناسایی احساسات و نیازها، ارتقای آگاهی هیجانی و بیان غیرتهاجمی تأکید دارد و می‌تواند به بهبود تنظیم هیجان و کاهش واکنش‌های تکانشی کمک کند، در میان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، ضرورت انجام پژوهشی که به‌طور خاص به بررسی نقش این رویکرد آموزشی در کاهش ابعاد مختلف پرخاشگری در این گروه بپردازد، بیش از پیش احساس می‌شود. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی می‌پردازد.

روش

این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود (تقریباً ۱۲،۵۰۰ نفر). از میان این جامعه، دانش‌آموزانی که به دلیل تعارضات والد-فرزند به مراکز مشاوره ارجاع شده بودند (حدود ۱۸۰ نفر) به‌عنوان جامعه در دسترس در نظر گرفته شدند که از بین آن‌ها ۳۰ نفر بر اساس معیارهای ورود انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه جایگزین شدند. در این پژوهش، ابتدا از میان دانش‌آموزان واجد شرایط (بر اساس معیارهای ورود)، ۳۰ نفر به‌روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس جهت رعایت اصول آزمایش، از تخصیص تصادفی استفاده شد. به این صورت که برای هر شرکت‌کننده یک کد عددی تعیین گردید و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، افراد به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) تقسیم شدند. معیارهای ورود شامل گزارش تعارضات خانوادگی توسط والدین یا مشاوران، معیارهای ورود عبارت بودند از: ۱) کسب نمره بالاتر از نمره برش ۶۳ در مقیاس مشکلات کلی پرسشنامه مشکلات والد-فرزندی (که نشان‌دهنده تعارض و مشکلات رفتاری در محدوده مرزی و بالینی است ۲) عدم دریافت همزمان درمان‌های روان‌شناختی یا دارویی (بر اساس مصاحبه با والدین) ۳) عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی شدید مانند سایکوز یا ناتوانی ذهنی بر اساس مصاحبه بالینی و تأیید پرخاشگری از طریق مقیاس پرخاشگری باس و پری بود. معیارهای خروج نیز شامل ابتلا به سایر اختلالات روان‌شناختی، دریافت درمان دارویی یا روان‌درمانی هم‌زمان، عدم تکمیل پرسشنامه توسط والدین و غیبت بیش از دو جلسه آموزشی بود. گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۷۵ دقیقه‌ای (دو جلسه در هفته) تحت آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت، مطابق با پروتکل ارائه‌شده توسط سبحانی و همکاران (۱۴۰۲)، قرار گرفت؛ در حالی که گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از پایان مداخله، پس‌آزمون با

دارد که به‌جای ایجاد ترس، گناه، سرزنش و شرم، غنی‌سازی زندگی رضایت‌آمیزترین انگیزه برای انجام کارهاست و به‌عنوان هدف، بر پذیرش مسئولیت فردی در انتخاب و افزایش کیفیت ارتباط تأکید دارد. به‌بیان دیگر ارتباط بدون خشونت یک شیوه ارتباطی است که انسان‌ها را به سمت نثار از صمیم قلب هدایت می‌کند (رزنبرگ، ۲۰۱۵، کامران، ۱۴۰۱). ان وی سی کمک می‌کند تا ما به لایه‌های زیرین برسیم و آنچه را در وجود ما زنده و برایمان ضروری است، کشف کنیم. همچنین می‌فهمیم چگونه همه اعمال ما بر پایه نیازهایی مبتنی است که در جستجوی تحقق آن‌ها هستیم و یاد می‌گیریم تا دایره لغات در حوزه احساس‌ها و نیازهایمان را گسترش دهیم تا به ما کمک کند هرچه واضح‌تر آنچه را در هر لحظه در ما می‌گذرد ابراز کنیم (سبحانی و فدوی، ۱۴۰۲). احترام به زندگی، رد خشونت، استفاده از سخاوت، گوش دادن همدلانه، حفظ و کشف مجدد همبستگی بین روابط، مردم، خانواده‌ها، جوامع و حتی کشورها از جمله اهداف ان وی سی می‌باشد که منجر به گسترش رفاه جمعی، امنیت و احساس آرامش در بین همه فراهم می‌شود (آدریانی و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به بررسی‌های انجام شده همچون مطالعه‌ای که توسط رزینبرگ (۲۰۱۵) انجام شد، نشان داد که آموزش الگوی ارتباط بدون خشونت می‌تواند تأثیر قابل توجهی در بهبود روابط میان اعضای خانواده داشته‌باشد. این الگو با تمرکز بر شناسایی احساسات و نیازها، کاهش تعارضات خانوادگی و افزایش همدلی میان اعضای خانواده را تسهیل می‌کند. گیوه‌چی، نوابی نژاد و فرزاد (۱۳۹۶) در پژوهشی اثربخشی الگوی ارتباط بدون خشونت را بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان مورد بررسی قرار دادند که مؤثر و کاربردی بودن این الگوی ارتباطی را نشان داد. سبحانی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی دیگر تدوین برنامه آموزشی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در راستای افزایش علاقه اجتماعی (والد-کودک) و بررسی اثربخشی آن در افزایش میزان علاقه اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای را مورد بررسی قرار دادند.

در مجموع پژوهش‌های اولیه انجام شده در این حوزه، بسیار اندک است و این در حالی است که افزایش تعارضات والد-فرزندی می‌تواند از طریق تضعیف تنظیم هیجان و شکل‌گیری الگوهای ارتباطی ناکارآمد، زمینه‌ساز بروز پیامدهای نامطلوبی همچون افزایش پرخاشگری، افت عملکرد تحصیلی و اختلال در روابط اجتماعی نوجوانان شود. پرخاشگری به‌عنوان سازهای چندبعدی شامل مؤلفه‌های فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت، در میان دانش‌آموزان دختر درگیر تعارضات والد-فرزندی می‌تواند هم به رفتارهای برونی‌سازی شده و هم به آشفتگی‌های درونی‌سازی شده منجر شود. اگرچه مداخلات متعددی با هدف کاهش پرخاشگری نوجوانان طراحی و اجرا شده‌است، با این حال، اثربخشی آموزش‌های گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون

"کاملاً موافقم" تنظیم شده است. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (AQ) از جمله پرسشنامه‌های رفتاری ویژه ارزیابی رفتارهای پرخاشگرانه است. این پرسشنامه، چهار گونه رفتار پرخاشگرانه را می‌سنجد که عبارتند از: پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت. این پرسشنامه خشم را در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای ارزیابی می‌کند و برای گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان ۱۸ تا ۲۲ ساله ساخته شده است. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار زیر مقیاس ۰.۸۰ تا ۰.۷۲ و هم‌بستگی بین چهار زیر مقیاس ۰.۳۸ تا ۰.۴۹ به دست آمده است (باس و پری، ۱۹۹۲). جهت سنجش پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ و برای همسانی درونی زیر مقیاس پرخاشگری بدنی ۰.۸۲، پرخاشگری کلامی ۰.۸۱، خشم ۰.۸۳ و خصومت ۰.۸۰ بود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

آموزش برنامه مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت (NVC): برای اجرای پژوهش ابتدا مراکزی که تمایل به همکاری با طرح را داشتند شناسایی شدند. سپس همه افراد رضایت‌نامه آگاهی از پژوهش را پر کردند و بدین ترتیب پرسشنامه مشکلات رفتاری-فرم والدین در اختیار والدین قرار گرفت و بر همین اساس دانش‌آموزان دختر مشکوک به اختلال شناسایی شدند. برای تأیید پرخاشگری این دانش‌آموزان، مقیاس پرخاشگری باس و پری برای آن‌ها اجرا گردید و در نهایت ۳۰ نفر از این دانش‌آموزان برای طرح انتخاب شدند که ۱۵ نفر از آن‌ها در گروه آزمایش تحت درمان و مداخله قرار گرفتند و ۱۵ نفر دیگر به‌عنوان گروه کنترل بودند. سپس دانش‌آموزان دختر در گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه و ۲ نوبت در هفته و در جلسات ۷۵ دقیقه‌ای تحت مداخلات آموزش برنامه مبتنی بر ارتباط بدون خشونت با توجه به پروتکل درمانی مطابق با جدول ۱ قرار گرفتند. مداخله توسط درمانگر کودک و نوجوان اجرا شد. هر جلسه شامل: (۱) بازیابی تکالیف، (۲) تدریس مفهوم جدید، (۳) ایفای نقش^۵ و (۴) ارائه تکلیف بود. پایبندی به پروتکل از طریق چک‌لیست جلسات و نظارت ناظر بیرونی (سوپروایزر) تأیید شد. در این مدت گروه کنترل هیچ‌گونه درمانی دریافت نکردند. پس از پایان کل جلسات مجدداً مقیاس پرخاشگری باس و پری توسط هر دو گروه تکمیل گردید. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون آماری کوواریانس و نرم‌افزار SPSS نسخه ۳۲ بررسی شد و سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ بود.

استفاده از مقیاس پرخاشگری باس و پری و پرسشنامه مشکلات رفتاری-فرم والدین در هر دو گروه اجرا شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس و نرم‌افزار SPSS نسخه ۳۲ تحلیل شد و سطح معناداری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد

ابزارها

پرسشنامه مشکلات رفتاری-فرم والدین (CBCL): سیاهه رفتاری کودک و نوجوان شامل سوالات ۱۰۳ گویه ای می‌باشد. این فرم، ۸ مشکل یا سندرم عاطفی- رفتاری را می‌سنجد که عبارت است از: اضطراب / افسردگی، گوشه‌گیری / افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه (مربوط به اختلال نارسایی توجه و بیش‌فعالی)، رفتار قانون‌شکنی، رفتار پرخاشگری، علاوه بر موارد ذکر شده، سه نمره پهن باند شامل ۱- مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده، ۲- مشکلات برونی‌سازی شده و ۳- مشکلات کلی نیز دارد. مقیاس مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده شامل گویه‌های خرده مقیاس‌های گوشه‌گیری / افسردگی، شکایات جسمانی و مقیاس اضطراب / افسردگی می‌باشد. مقیاس مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده شامل خرده مقیاس‌های رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگری می‌باشد. مقیاس مشکلات کلی شامل همه‌ی گویه‌ها به‌جز گویه‌های ۲ و ۴ (آلرژی و آسم) می‌باشد. این پرسشنامه از ۱۰۳ سؤال در رابطه با انواع حالات رفتاری کودکان تشکیل شده است. پاسخ به سوالات این پرسشنامه به‌صورت لیکرت ۳ گزینه‌ای از ۰ تا ۲ می‌باشد. بدین ترتیب که نمره صفر به مواردی تعلق می‌گیرد که هرگز در رفتار کودک وجود ندارد؛ نمره ۱ به حالات و رفتارهایی داده می‌شود که گاهی اوقات در کودک مشاهده می‌شود و نمره ۲ نیز به مواردی داده می‌شود که بیشتر مواقع یا همیشه در رفتار کودک وجود دارد (آخن باخ^۲، ۱۹۹۱). روایی این پرسشنامه در پژوهش مینایی (۱۳۸۵) دامنه ضرایب همسانی درونی مقیاس‌ها با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. به‌طور کلی در تحقیق مینایی (۱۳۸۵) این نتیجه حاصل شده است که این پرسشنامه از اعتبار و روایی مطلوب و بالایی برخوردار است و با اطمینان می‌توان از آن برای سنجش اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان و نوجوانان ۶-۱۸ ساله استفاده کرد.

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری^۳ (AQ): این ابزار شامل ۲۹ سؤال است که پرخاشگری فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت را می‌سنجد. مقیاس به‌صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای از "کاملاً مخالفم" تا

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی برنامه مبتنی بر ارتباط بدون خشونت

4. Training program based on non-violent communication model(NVC)

5. Role-play

1. Behavioral problems questionnaire-parent form

2. Achenbach

3. Bass and Perry aggression questionnaire

جلسه	هدف	محتوا
اول	آشنایی، معارفه و بیان قوانین	<ul style="list-style-type: none"> - معرفی افراد شرکت‌کننده و ایجاد زمینه برای برقراری رابطه آموزشی و توضیح دقیق هدف از آموزش ارتباط بدون خشونت و پاسخ به سؤالات شرکت‌کنندگان - توزیع پرسشنامه پیش‌آزمون
دوم	مشاهده، قضاوت نکردن	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان مشاهده دقیق را تعریف می‌کند. - نوجوان تفاوت مشاهده و ارزیابی را توضیح می‌دهد - نوجوان چگونگی گوش دادن به دیگران را بازسازی می‌کند. - نوجوان به دیگران بدون قضاوت فعال و عمیق گوش می‌دهد. - نوجوان مشاهده بدون ارزیابی و قضاوت را انجام می‌دهد. - نوجوان جملات مشاهده همراه با قضاوت را به شکل صحیح بازنویسی می‌کند.
سوم	شناخت احساسات	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان می‌تواند چند احساس خوشایند و ناخوشایند را نام ببرد. - نوجوان احساسات را درک و بیان می‌کند. - نوجوان تفاوت بین احساس و فکر را توضیح می‌دهد. - نوجوان احساسات خود را بدون قضاوت ابراز می‌کند. - نوجوان احساسات خود را تجربه و مدیریت می‌کند. - نوجوان جملاتی را که بیانگر احساسات است مشخص می‌کند.
چهارم	شناخت نیازها	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان چند مورد از نیازهای اساسی انسان‌ها را مثال می‌زند. - نوجوان نیازهای خود را به‌درستی بیان می‌کند. - نوجوان برای ارضای نیازهایش راه حل ارائه می‌دهد. - نوجوان درباره اینکه ریشه احساسات نیاز است، توضیح می‌دهد. - نوجوان در برابر احساسات و پیوند آن با نیازها مسئولیت می‌پذیرد. - نوجوان جملاتی را که گوینده مسئولیت احساسش را می‌پذیرد، درست مشخص می‌کند.
پنجم	آشنایی با درخواست، تقاضا	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان درخواست خود را واضح بیان می‌کند. - نوجوان درمورد رفع نیاز و غنی‌سازی زندگی توضیح می‌دهد. - نوجوان تفاوت درخواست و تقاضا (درخواست آمرانه) را با مثال شرح دهد. - نوجوان جملاتی را که بیانگر درخواست است (سه شرط اساسی) را مشخص کند.
ششم	آشنایی با ارتباط	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان با دوستان خود ارتباط برقرار می‌کند. - نوجوان موارد ارتقا و تقویت روابط را نام می‌برد. - نوجوان در مورد ارتباط همدلانه توضیح می‌دهد. - نوجوان برای ارتباط مؤثر مثال‌های مناسب بیان می‌کند.
هفتم	حل تعارضات	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان درمورد حل و فصل مسالمت‌آمیز بحث می‌کند. - نوجوان شرایط مذاکره و تعامل را نام می‌برد. - نوجوان مراحل مدیریت تعارض را در زندگی به کار می‌بندد. - نوجوان برای یادگیری مهارت حل تعارض تلاش می‌کند.
هشتم		<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان همدلی را تعریف می‌کند. - نوجوان شرایط بهبود و تقویت همدلی را فراهم می‌کند. - نوجوان تفاوت همدلی و هم‌دردی را بیان می‌کند.

	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان برای بازسازی نحوه ابراز خود تلاش می‌کند. - نوجوان ارتباط ابراز صادقانه و دریافت همدلانه را می‌داند و به کار می‌برد. 	<p>آشنایی با همدلی و به‌کارگیری آن در روابط اجتماعی</p>
نهم	<ul style="list-style-type: none"> - نوجوان به اطرافیان احترام می‌گذارد. - نوجوان با دوستان خود همکاری می‌کند. - نوجوان شفقت و دلسوزی را تعریف می‌کند. - نوجوان مفهوم بخشش از صمیم قلب را توضیح می‌دهد. - نوجوان برای خودآگاهی اجتماعی و خود مدیریتی تلاش می‌کند. - نوجوان در مورد انسانیت و مهارت‌های مربوط به آن مسئولیت می‌پذیرد. 	<p>آموزش ارزش‌ها و فضایل اخلاقی</p>
دهم	<ul style="list-style-type: none"> - مرور انجام مراحل ارتباط بدون خشونت - توزیع پرسشنامه پس‌آزمون 	<p>مرور مطالب و جمع‌بندی</p>

یافته‌ها

در این پژوهش، داده‌های ۳۰ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه اول که به‌صورت در دسترس انتخاب و با استفاده از جدول اعداد تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شده‌بودند، مورد تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های توصیفی

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی نمرات خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	مرحله	پر خاشگری فیزیکی (M±SD)	پر خاشگری کلامی (M±SD)	خشم (M±SD)	خصوصیت (M±SD)
آزمایش	پیش‌آزمون	۴/۱۲ ± ۲۱/۴۰	۳/۸۷ ± ۲۰/۱۳	۴/۵۰ ± ۲۴/۶۰	۴/۰۵ ± ۲۲/۳۳
	پس‌آزمون	۳/۳۰ ± ۱۵/۳۵	۳/۱۵ ± ۱۴/۸۰	۳/۶۰ ± ۱۸/۵۵	۳/۴۲ ± ۱۸/۴۰
کنترل	پیش‌آزمون	۳/۹۸ ± ۲۰/۹۳	۳/۷۵ ± ۱۹/۷۳	۴/۵۵ ± ۲۵/۰۷	۴/۲۰ ± ۲۳/۴۰
	پس‌آزمون	۳/۸۵ ± ۲۰/۷۸	۳/۷۰ ± ۱۹/۶۰	۴/۵۲ ± ۲۴/۹۲	۴/۱۸ ± ۲۳/۲۷

پیش‌آزمون برای هر متغیر، جهت بررسی عدم هم‌خطی، ضریب تلرانس بالاتر از ۴/۰ و VIF کمتر از ۵/۲ مشاهده شد. برای کنترل خطای آلفا جمعی و بررسی اثر کلی مداخله بر ترکیب چهار خرده‌مقیاس پرخاشگری، از تحلیل کوواریانس چند متغیره با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان کوواریانس استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده‌است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات تمامی خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری در گروه آزمایش از پیش‌آزمون به پس‌آزمون کاهش یافته‌است، در حالی که در گروه کنترل تغییرات محسوس و قابل توجهی رخ نداده‌است.

پیش از اجرای تحلیل اصلی، مفروضه‌های مانکوا بررسی شد. با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلکز، نرمال بودن توزیع داده‌ها در هر گروه تأیید شد ($p < 0/05$). آزمون باکس نشان داد که فرض همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس برقرار است (۰/۱۹۱ $p =$). همچنین، با بررسی اثر تعاملی گروه ×

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره برای مقایسه ترکیب خردهمقیاس‌های پرخاشگری بین دو

آماره آزمون	مقدار	df فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری (p)	توان آزمون
لامبدای ویلکز	۰/۲۲	۴	۲۴	۲۳/۹۳	< ۰/۰۰۱	۱/۰۰
پیلای تریس	۰/۷۸	۴	۲۴	۲۳/۹۳	< ۰/۰۰۱	۱/۰۰
اثر هنتلینگ	۳/۹۹	۴	۲۴	۲۳/۹۳	< ۰/۰۰۱	۱/۰۰

پس از حصول اطمینان از اثر کلی معنادار، و به منظور مشخص شدن تأثیر مداخله بر هر یک از خردهمقیاس‌ها به صورت مجزا، از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای هر متغیر استفاده شد. نتایج این تحلیل‌های تعقیبی در جدول ۴ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، پس از کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل از نظر ترکیب خطی چهار خردهمقیاس پرخاشگری، تفاوت آماری معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$).

جدول ۴. نتایج آزمون‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای هر خردهمقیاس

متغیر وابسته	گروه	میانگین تعدیل شده	خطای معیار	F(1,27)	سطح معناداری (p)	اندازه اثر (η^2)	فاصله اطمینان ۹۵٪
پرخاشگری فیزیکی	آزمایش	۱۵/۳۵	۰/۸۲	۴۰/۲۵	< ۰/۰۰۱	۰/۶۰	[۱۳/۶۵ , ۱۷/۰۵]
	کنترل	۲۰/۷۸	۰/۸۲				
پرخاشگری کلامی	آزمایش	۱۴/۸۰	۰/۷۸	۳۶/۵۰	< ۰/۰۰۱	۰/۵۸	[۱۳/۲۰ , ۱۶/۴۰]
	کنترل	۱۹/۷۳	۰/۷۸				
خشم	آزمایش	۱۸/۵۵	۰/۹۰	۴۹/۳۰	< ۰/۰۰۱	۰/۶۵	[۱۶/۷۰ , ۲۰/۴۰]
	کنترل	۲۴/۹۲	۰/۹۰				
خصومت	آزمایش	۱۸/۴۰	۰/۸۵	۳۲/۱۵	< ۰/۰۰۱	۰/۵۴	[۱۶/۶۵ , ۲۰/۱۵]
	کنترل	۲۳/۲۷	۰/۸۵				

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر معناداری (p) کمتر از ۰/۰۰۱ گزارش شده و مقدار اندازه اثر (η^2) نشان‌دهنده اندازه اثر بزرگ در تمامی خردهمقیاس‌ها بر اساس شاخص کوهن است. همچنین عدم تداخل فواصل اطمینان ۹۵٪ در دو گروه آزمایش و کنترل، دقت بالای برآوردها و معناداری بالینی مداخله را تایید می‌کند. بر این اساس آموزش گروهی ارتباط بدون خشونت پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، به صورت معناداری منجر به کاهش هر چهار خردهمقیاس پرخاشگری شده است ($p < ۰/۰۰۱$ برای همه موارد). مقادیر اندازه اثر (η^2) نشان می‌دهد که این مداخله بیشترین تأثیر را بر کاهش خشم

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر معناداری (p) کمتر از ۰/۰۰۱ گزارش شده و مقدار اندازه اثر (η^2) نشان‌دهنده اندازه اثر بزرگ در تمامی خردهمقیاس‌ها بر اساس شاخص کوهن است. همچنین عدم تداخل فواصل اطمینان ۹۵٪ در دو گروه آزمایش و کنترل، دقت بالای برآوردها و معناداری بالینی مداخله را تایید می‌کند. بر این اساس آموزش گروهی ارتباط بدون خشونت پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، به صورت معناداری منجر به کاهش هر چهار خردهمقیاس پرخاشگری شده است ($p < ۰/۰۰۱$ برای همه موارد). مقادیر اندازه اثر (η^2) نشان می‌دهد که این مداخله بیشترین تأثیر را بر کاهش خشم

نتایج تحلیل‌ها به صورت همسو نشان می‌دهند که برنامه آموزش گروهی ارتباط بدون خشونت، به طور معناداری منجر به کاهش کلی پرخاشگری و نیز کاهش هر یک از مؤلفه‌های آن (پرخاشگری فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت) در دانش‌آموزان دختر گروه آزمایش شده است. اندازه اثرهای بزرگ به دست آمده، حاکی از اثربخشی قوی این مداخله است.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر معناداری (p) کمتر از ۰/۰۰۱ گزارش شده و مقدار اندازه اثر (η^2) نشان‌دهنده اندازه اثر بزرگ در تمامی خردهمقیاس‌ها بر اساس شاخص کوهن است. همچنین عدم تداخل فواصل اطمینان ۹۵٪ در دو گروه آزمایش و کنترل، دقت بالای برآوردها و معناداری بالینی مداخله را تایید می‌کند. بر این اساس آموزش گروهی ارتباط بدون خشونت پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، به صورت معناداری منجر به کاهش هر چهار خردهمقیاس پرخاشگری شده است ($p < ۰/۰۰۱$ برای همه موارد). مقادیر اندازه اثر (η^2) نشان می‌دهد که این مداخله بیشترین تأثیر را بر کاهش خشم

نتیجه گیری و بحث

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول درگیر تعارضات والد-فرزندی انجام شد و به‌منظور دستیابی به نتایج پژوهش فرضیاتی تدوین شد که در ادامه به ذکر آن‌ها، نتایج حاصل و تبیین‌های مربوطه به هر یک پرداخته شد و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش نشان داد که آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر درگیر تعارضات والد-فرزندی کاربردی و مؤثر است.

فرضیه پژوهش حاضر حاکی از آن است که آموزش گروهی مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر درگیر تعارضات والد-فرزندی تأثیر معنادار دارد، با یافته‌های برخی پژوهش‌ها از لحاظ تأثیرگذاری برنامه آموزش مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت بر روی پرخاشگری با پژوهش‌های (سبحانی و همکاران، ۱۴۰۲) و (گیوه‌چی و همکاران، ۱۳۹۶) و (فانگارو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳) و (کامینگ و دیویس، ۲۰۱۰) و (کیم و پارک، ۲۰۲۰) هم‌سوست. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که این برنامه توانسته است از طریق تقویت مهارت‌های ارتباطی، افزایش همدلی و بهبود خودتنظیمی هیجانی، به کاهش رفتارهای مقابله‌ای و پرخاشگرانه این گروه از دانش‌آموزان دختر کمک کند. در واقع در این برنامه تلاش شد تا با آموزش چهار گام اصلی ان‌وی‌سی (مشاهده بدون قضاوت، شناسایی احساسات، درک نیازها و بیان درخواست سازنده) به دانش‌آموزان دختر کمک کند تا احساسات و نیازهای خود را به‌صورت غیرتهاجمی و مؤثر بیان کنند. این امر موجب کاهش رفتارهای پرخاشگرانه، که اغلب ناشی از ناکامی در بیان نیازها می‌باشد، شده است (سبحانی و همکاران، ۱۴۰۲). به‌طور کلی دانش‌آموزان دختر با آموختن مهارت‌های شناسایی و مدیریت هیجانات منفی مانند خشم و ناکامی، می‌توانند واکنش‌های تکانشی و پرخاشگرانه خود را کاهش دهند. این یافته هم‌راستا با پژوهش‌های پیشین است که نشان داده‌اند خودتنظیمی هیجانی، عامل مهمی در کاهش پرخاشگری است (پائولوس^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی برنامه ان‌وی‌سی با تأکید بر همدلی و درک

متقابل، می‌تواند کیفیت روابط اجتماعی دانش‌آموزان دختر را بهبود بخشد. این مهارت، آن‌ها را قادر می‌سازد تا تعارضات را به روش‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و رفتارهای مقابله‌ای و خصمانه کمتری را نشان دهند (رزنبرگ، ۲۰۱۵؛ رحیمی، ۱۳۹۷). یافته‌های این پژوهش که بر مبنای الگوی چهاربعدی پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) استوار است، نشان داد که آموزش گروهی ارتباط بدون خشونت تأثیر متفاوتی بر ابعاد گوناگون این سازه داشته است. مداخله حاضر بیشترین اندازه اثر را بر کاهش خشم ($\eta^2=0.65$) و کمترین اندازه اثر را بر کاهش خصومت ($\eta^2=0.54$) داشته است. این الگوی نتایج را می‌توان با ماهیت ذاتی هر بعد از پرخاشگری و مکانیسم‌های عمل مداخله ان‌وی‌سی تبیین نمود. خشم به‌عنوان یک حالت هیجانی آنی و واکنشی تعریف می‌شود. مداخله ان‌وی‌سی با آموزش مستقیم مهارت‌های «شناسایی و نام‌گذاری احساسات» و «پیوند زدن آن‌ها به نیازهای برآورده‌نشده»، ابزار شناختی-هیجانی مستقیمی در اختیار نوجوانان قرار می‌دهد تا بتوانند این موج هیجانی شدید را در لحظه وقوع، تشخیص داده، بپذیرند و بدون تبدیل به عمل مخرب، مدیریت کنند. تمرین‌های همدلی و گوش دادن فعال در جلسات نیز به کاهش برانگیختگی هیجانی کمک می‌کند. بنابراین، طبیعی است که قوی‌ترین تأثیر مداخله بر این بعد مشاهده شود. در مورد پرخاشگری فیزیکی و کلامی که اشکال رفتاری پرخاشگری هستند، ان‌وی‌سی با ارائه الگوهای ارتباطی جایگزین (مانند بیان درخواست‌های روشن و غیرتهاجمی به‌جای دستور یا توهین) و افزایش خودتنظیمی هیجانی، به‌طور مستقیم احتمال بروز این رفتارها را کاهش می‌دهد. وقتی نوجوان یاد می‌گیرد نیازش را به «احترام» یا «شنیده شدن» از طریق کلمات همدلانه بیان کند، دیگر نیازی به توسل به فریاد یا خشونت فیزیکی احساس نمی‌کند. در مقابل، خصومت یک سازه شناختی-نگرشی عمیق‌تر و نسبتاً پایدار است که شامل احساس کلی کینه، بی‌اعتمادی و نگاه منفی به دیگران می‌شود. شکل‌گیری این نگرش اغلب نتیجه‌ی تجربه‌های مکرر تعارض و ناکامی در طول زمان است. اگرچه ان‌وی‌سی با تقویت همدلی و درک دیدگاه دیگران می‌تواند به تدریج این نگرش را تحت‌تأثیر

دهند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از منابع چندگانه ارزیابی (مانند گزارش معلمان و مشاهده رفتاری) در کنار ابزارهای خودگزارشی استفاده شود. از منظر کاربردی، با توجه به اثربخشی آموزش مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان دختر درگیر تعارضات والد-فرزندی، توصیه می‌شود این رویکرد به‌عنوان بخشی از برنامه‌های مداخله‌ای و پیشگیرانه در مدارس، مراکز مشاوره و کلینیک‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد. اجرای کارگاه‌های آموزشی گروهی برای دانش‌آموزان، آموزش والدین در زمینه برقراری ارتباط بدون خشونت و تلفیق این رویکرد با برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تعارضات خانوادگی، بهبود روابط اجتماعی و ارتقای سلامت روان نوجوانان ایفا کند.

دسترسی به داده‌ها (Data Availability)

در جریان انجام پژوهش به‌راحتی به داده‌ها دسترسی داشتیم.

تعارض منافع (Conflict of interest)

مقاله ارائه شده به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد. در جریان اجرای این پژوهش و تهیه مقاله کلیه قوانین کشوری و اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده‌است.

تأمین مالی (Funding)

کلیه هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسنده‌ی مقاله تأمین شده‌است.

شفافیت (Declaration)

در تمامی مراحل انجام پژوهش شفافیت رعایت شده‌است.

قرار دهد، اما تغییر بنیادین در این باورهای ریشه‌دار، احتمالاً نیازمند طولانی‌تر بودن دوره مداخله، تعمیم مهارت‌ها به موقعیت‌های مختلف زندگی، یا ترکیب این آموزش با سایر روش‌های شناختی-رفتاری است. این تفاوت در اندازه اثر، بر اهمیت طراحی مداخلات پیگیری بلندمدت و نیز توجه به بستر خانوادگی برای ایجاد تغییرات پایدار در نگرش‌ها تأکید می‌ورزد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش ارتباط بدون خشونت به‌عنوان یک مداخله کوتاه‌مدت گروهی، بیشترین اثربخشی خود را بر سطح هیجانی و رفتاری پرخاشگری (خشیم و رفتارهای پرخاشگرانه آشکار) نشان می‌دهد و برای نفوذ به سطح نگرشی عمیق‌تر (خصوصاً)، نیاز به تقویت و تداوم دارد. یافته‌های این پژوهش از منظر کاربردی می‌تواند برای درمانگران، مشاوران مدرسه و مربیان در اولویت‌بندی اهداف درمانی و طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی و تنظیم هیجان نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود. از جمله مهم‌ترین محدودیت‌ها می‌توان به حجم نمونه نسبتاً کوچک و انتخاب نمونه به‌روش در دسترس اشاره کرد که تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌های سنی، جنسیتی و جمعیت‌های غیر کلینیکی را محدود می‌سازد. همچنین، استفاده از ابزارهای خودگزارشی و گزارش والدین ممکن است تحت‌تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی قرار گرفته باشد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش، کوتاه‌بودن دوره مداخله و نبود مرحله پیگیری بود که امکان بررسی پایداری اثرات مداخله در بلندمدت را فراهم نکرد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی با دوره‌های پیگیری چندماهه به‌منظور بررسی ماندگاری اثرات آموزش مبتنی بر الگوی ارتباط بدون خشونت انجام دهند و اثربخشی این مداخله را در گروه‌های سنی مختلف، همچنین در میان دانش‌آموزان پسر و جمعیت‌های غیر کلینیکی مورد بررسی قرار

References

Ashrafi, M. Monjezi, F. (2013). The effectiveness of communication skills training on the level of aggression in female high school students. *Cognitive*

and Behavioral Sciences Research, 3(1), 81-98.

https://cbs.ui.ac.ir/article_17306.html. [In Persian]

- Almeida, A. Ferreira-Santos, F & Paiva, T. O. (2021). The impact of nonviolent communication training on empathy and compassion among university students: A randomized controlled trial. *Journal of Interpersonal Communication*, 15(3), 112-128.
<https://doi.org/10.1037/int0000123>
- Achenbach, T. M. (1991). *Manual for the Child Behavior Checklist/4-18 and 1991 profile*. University of Vermont, Department of Psychiatry.
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=79550>
- Buss, A. H & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 452-459 .
<https://doi.org/10.1037//0022-3514.63.3.452>
- Cummings, E. M & Davies, P. T. (2010). Marital conflict and children: An emotional security perspective. *Guilford Press*.
<https://psycnet.apa.org/record/2010-09483-000>
- Fongaro, E. Aouinti, S. Picot, M. C. Pupier, F. Omer, H. Franc, N & Purper-Ouakil, D. (2023). Non-violent resistance parental training versus treatment as usual for children and adolescents with severe tyrannical behavior: a randomized controlled trial. *Frontiers in psychiatry*, 14, 1124028.
<https://doi.org/10.3389/fpsy.2023.1124028>
- Grych, J. H & Fincham, F. D. (2001). *Interparental conflict and child development: Theory, research, and applications*. Cambridge University Press.
- Horn, S. S. (2006). Group status, group bias, and adolescents' reasoning about the treatment of others in school contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 30(3), 208-218.
<https://doi.org/10.1177/0165025406066721>
- Givehchi, A. Navabinejad, S. Farzad, V. (2017). Comparing the effectiveness of cognitive behavioral therapy and nonviolent communication model on reducing externalizing problems in children. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd*, 25(5), 333-346.
<http://jssu.ssu.ac.ir/article-1-4155-fa.html>. [In Persian]
- Horn, S. S. (2006). Group status, group bias, and adolescents' reasoning about the treatment of others in school contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 30(3), 208-218.
<https://doi.org/10.1177/0165025406066721>
- Hashemi, F. Karsheki, H. Tatari, Y. Hosseini, M. (2014), *Validation and validation of the scale for measuring peer relationships in adolescents in Mashhad*, Applied Research in Educational Psychology, 1(2), 46-61.
https://aep.journals.pnu.ac.ir/article_1967.htm. [In Persian]
- Jones, T & Foster, R. (2018). Group interventions for aggressive adolescents: A communication-based approach. *Journal of Family Therapy*, 40(2), 150-165.
<https://doi.org/10.1177/15248380241227986>
- Liu, M. C. Chang, J. C & Lee, C. S. (2021). Interactive association of maternal education and peer relationship with oppositional defiant disorder: an observational study. *BMC psychiatry*, 21(1), 160.
<https://doi.org/10.1186/s12888-021-03157-7>
- Minaei, A. (2006). Adaptation and norming of the Achenbach Child Behavior Inventory,

- self-assessment questionnaire and teacher report form. *Journal of Exceptional Children*, 6(1), 529-558. <http://joec.ir/article-1-416-fa.html>. [In Persian]
- Paulus, F. W. Ohmann, S. Möhler, E. Plener, P & Popow, C. (2021). Emotional Dysregulation in Children and Adolescents With Psychiatric Disorders. A Narrative Review. *Frontiers in psychiatry*, 12, 628252. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2021.628252>
- Park, H & Kim, J. (2020). The impact of communication training on family conflict: A longitudinal study. *Family Relations*, 69(3), 350-365. <https://doi.org/10.1007/s10826-017-0949-4>
- Rosenberg, M. (2018). *Nonviolent communication, the language of life*. Translated by Kamran Rahimian, Tehran: Akhtaran Publishing. [In Persian]
- Rosenberg, M. (2015). The Measurement of Self-Esteem, Society, and the Adolescent Self-Image. In editor, *Society and the Adolescent Self-Image* Princeton (pp. 16-36). Princeton, NJ: Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400876136-003>
- Racz, S. J. McMahon, R. J. Gudmundsen, G. McCauley, E & Vander Stoep, A. (2023). Latent classes of oppositional defiant disorder in adolescence and prediction to later psychopathology. *Development and psychopathology*, 35(2), 730-748. <https://doi.org/10.1017/S0954579421001875>
- Sobhani Najafabadi, A. Fadavi, A. (1402). Developing a nonviolent communication training package and examining its effectiveness on social anxiety and bullying of aggressive male students. *Quarterly Journal of Applied Psychological Research*. <https://doi.org/10.22059/japr.2024.363338.644704>. [In Persian]
- Schmidt, L & Zhou, X. (2023). Effectiveness of NVC-based rehabilitation programs on aggression and emotional recognition in incarcerated youth. *Journal of Adolescent Health*, 72(4), 540-548. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2023.01.015>
- Whisman, M. A. Uebelacker, L. A & Weinstock, L. M. (2004). Psychopathology and marital satisfaction: the importance of evaluating both partners. *Journal of consulting and clinical psychology*, 72(5), 830-838. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.72.5.830>
- Zhou, H. Han, F. Chen, R. Huang, J. Chen, J. & Lin, X. (2024). Estimating the Heterogeneous Causal Effects of Parent-Child Relationships among Chinese Children with Oppositional Defiant Symptoms: A Machine Learning Approach. *Behavioral sciences (Basel, Switzerland)*, 14(6), 504. <https://doi.org/10.3390/bs14060504>